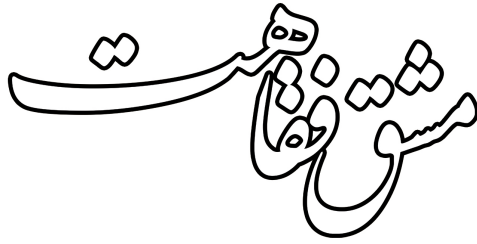


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: سید جواد حسینی گرگانی

مدیر تحریریه: ابوالفضل محمدی مجد



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی گرگانی / محمد رهنما

سید اباذر علوی / محمدرضا فاضل کاشانی

محمد فائزی / ابوالفضل محمدی مجد

سید حسین منافی / سید محمد مهدی نورمفیدی



مدیر تحریریه: ابوالفضل محمدی مجد

مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجمان: مجتبی شیخی (انگلیسی) / حبیب ساعدی (عربی)

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: محسن شریفی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، دفتر دوفصلنامه مشق فقاقت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵-دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال





## The Contradictory Context evidence and Its Efficacy in Deriving Rulings

*Mojtaba Gholizadeh Sarcheshmeh*

### Abstract

The issue of context evidence (qarine moghabele) is a significant topic in the principles of jurisprudence, and it has long been a concern for jurists, religious scholars, and Islamic thinkers. Due to its role in substituting for the literal meanings of words, it is one of the key factors in understanding meaning. Among these evidences, the contradictory context evidence holds a special place in the derivation of rulings. Its frequent application in jurisprudential and usuli propositions indicates its importance, warranting attention and analysis. This research aims to explore the dimensions of this evidence's efficacy through a descriptive-analytical method, seeking to extract, classify, and analyze its utility in the process of deriving rulings. The impetus for this study stems from the problem of multiple interpretations of a single text, often due to a lack of attention to this evidence. Therefore, the critical question is how can one achieve a correct understanding of verbal evidence based on this evidence? Accordingly, this article aims to first examine the primary principle governing the issue and then delineate the dimensions of this evidence's efficacy. The findings indicate that context evidences are essential for understanding meaning, and the contradictory context evidence is derived from the opposition between two words in the discourse. The main areas where this evidence is efficacious in deriving rulings, according to jurists and scholars of usul, include



سال اول | شماره اول  
بهار و تابستان ۱۴۰۲

the clarification of subject matter, ruling, condition, and implications of the discourse. It is noteworthy that the results of this research are applicable in the field of deriving and interpreting evidences.

**Keywords:** Contradictory context evidence, Efficacy, Deriving rulings, Multiple interpretations, Jurists.





دوفصلنامه علمی - تخصصی  
سال اول، شماره اول (بهار و تابستان ۱۴۰۲)  
تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۱/۱۳  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

## قرینه مقابله و کارایی آن در استنباط احکام

مجتبی گلی زاده سرچشمه<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله قرائن از مباحث مهم اصولی است که از مشغله‌های دیرین فقها، دین‌پژوهان و اندیشمندان اسلامی بوده است و به دلیل جانمایی از دلالت وضعی الفاظ، از کلیدی‌ترین عوامل فهم معناست. در این میان، قرینه مقابله از جایگاه ویژه‌ای در موضوع استنباط احکام برخوردار است؛ چراکه فزونی کاربرد آن در گزاره‌های فقهی و اصولی، نشان از این اهمیت داشته که درخور توجه و تحلیل است. این پژوهش با هدف ارائه ابعاد کارایی این قرینه و با روش توصیفی - تحلیلی کوشیده است تا به استخراج، تبویب و تحلیل کارایی این قرینه در راه استنباط احکام بپردازد. چرایی نوشتار این پژوهش، مشکل تعدد فهم از یک متن واحد است که گاه ناشی از عدم توجه به این قرینه است. بنابراین پرسش مهم، این است که چگونه می‌توان به فهم صحیح ادله لفظیه بر اساس این قرینه دست یافت؟ بر این مبنا، در این مقاله، سعی بر آن است که ابتدا با بررسی اصل اولی حاکم بر مسئله، به ذکر ابعاد کارایی این قرینه، پرداخته شود. یافته‌های این نوشتار این است که قرینه از عوامل فهم معناست و قرینه مقابله، قرینه‌ای است که از تقابل میان دو لفظ از الفاظ موجود در کلام به دست می‌آید و مهم‌ترین موارد کارایی این قرینه در استنباط احکام، در نگاه فقیهان و اصولیان، عبارت‌اند از: تبیین موضوع، حکم، شرط و لوازم کلام. گفتنی است برآیند این پژوهش در حوزه استنباط و استظهار از ادله، کاربرد دارد.

کلیدواژه: قرینه مقابله، کارایی، استنباط حکم، تعدد فهم، فقها.

۱. پژوهشگر مقطع خارج مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) (mgolizadeh1371@gmail.com).

## مقدمه

از آنجا که فهم روشمند مقصود کلام گوینده در گرو تکیه به قرائن کشف ظهور است، شایسته است به این قرائن توجه کافی شود. قرآن کریم و روایات نیز از این قاعده مستثنا نیست. بر این اساس، فقها و اندیشوران بر پایه قرائن، به فهم قرآن و روایات و در نتیجه به استنباط احکام مبادرت می‌کنند. در واقع استظهار از کتاب و سنت و فهم ادله توسط قرائن، بخش مهمی از تلاش فقیه در مسیر عملیات استنباط را تشکیل داده و این تعامل با کتاب و سنت، از مسائل مهمی است که ذهن اندیشمندان اسلامی را از دیرباز به خود مشغول ساخته و در برخی موارد سبب رویارویی صاحبان فکر و اندیشه و متناظر با آن، سبب اختلاف انظار و آرا شده است.

مشکل پیش‌رو آن است که گاه بدون توجه به این قرائن به سراغ فهم ادله رفته و به استنباط می‌پردازیم بدون آنکه به این قواعد و قرائن تسلط کافی داشته باشیم یا آنکه به آن به صورت نظام‌مند و مدون نگاه کرده باشیم که در این صورت در تفسیر متون و گزاره‌های دینی به خطا رفته و در نتیجه حکم الهی به درستی به مخاطبان بیان نمی‌گردد (مجتهد شبستری، ۱۳۷۰، ش ۳ و ۴، ص ۳۴). مباحث این نوشتار دو مسئله مطرح می‌شود: ابتدا به مسئله مفهوم‌شناسی قرینه و قرینه مقابله پرداخته می‌شود و در ادامه، تعریف قرینه مقابله بیان شده کارایی و نقش آن در استنباط احکام بررسی می‌شود. در واقع هدف این نوشته و انگیزه ورود به آن، پاسخ دادن به این پرسش‌ها است.

در ضرورت و اهمیت پرداختن به مبانی استظهار، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: فهم یک حدیث، بهتر از آن است که هزار حدیث نقل کنی (رک: ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳، ص ۲). همچنین ایشان می‌فرمایند: اگر کسی توان فهم معانی احادیث اهل بیت علیهم السلام را یافت، فقیه‌ترین مردم خواهد بود (رک: فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۷۱، ص ۵۰؛ مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۴۸ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۶۰۳)؛ بنابراین وجه نیاز به بررسی این مسئله بر طالبان طریق فهم قرآن و روایات، روشن می‌شود (مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۸۹، ش ۲۰، ص ۳۰).



و در اهمیت به کارگیری قرینه، بنابر تصریح صاحب هدایة المسترشدين، در موارد بسیاری مخاطب بدون اینکه معنای موضوع له الفاظ آن کلام را بدانند، مراد متکلم را می‌فهمد؛ از این رو قرینه، ما را به مقصود متکلم رهنمون می‌سازد (اصفهانی، محمدتقی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱، ص ۱۱۰ و ج ۳، ص ۱۸۹) و حتی بنابر تصریح محقق عراقی، بعضی از قرائن نوعیه مدرک قاعده اشتراک بوده و حتی می‌توانند مدرک اجماع نیز باشند (عراقی، ضیاء الدین، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۳۸).

از طرفی از میان قرائن در کلام فقها و اصولیان، قرینه مقابله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و کارایی مهمی در این مسیر دارد که واکاوی موارد آن، درخور تأمل و توجه است؛ از این رو، بررسی این موضوع، پژوهشی شایسته و بایسته در حوزه استنباط از ادله لفظیه محسوب شده و آن را می‌توان واکنش مبارکی انگاشت که بهانه‌ای را فراجنگ آورده تا با بررسی ابعاد کارایی آن در راه استنباط احکام، به تدوین آن به صورت جامع بپردازد («از مفهوم تا مقصود»، فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۲۶).



بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در ساحت پیشینه پژوهشی، اگرچه مقالات ارزنده‌ای در زمینه قرائن وجود دارد، مثل «سیاق و سیر تحول کاربرد آن در فقه» چاپ شده در فصلنامه علمی - تخصصی فقه و تاریخ تمدن (اثر حسین کنعانی؛ «بررسی چستی سیاق با رویکرد فقهی و اصولی» اثر دکتر حسین صابری و همکاران، چاپ شده در فصلنامه علمی - تخصصی فقه و اصول و «بررسی و تحلیل قرینه سیاق و تأثیر آن بر فهم قرآن با رویکرد آسیب‌شناختی» اثر علی حسن بیگی، که این سه مقاله تنها به بررسی قرینه سیاق و چستی آن و سیر تحول آن در فقه پرداخته است. «قرینه مناسبت حکم و موضوع و کارایی آن در استنباط احکام» اثر رضا اسفندیاری، چاپ شده در فصلنامه علمی - پژوهشی کاوشی نو در فقه که به بررسی کارایی قرینه تناسب حکم و موضوع در استنباط احکام پرداخته است. «کارکردهای قرینه سؤال راوی در فهم احادیث فقهی» اثر محسن رفعت و وحید شریفی، چاپ شده در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، که در موضوع کارایی قرینه سؤال در فهم احادیث است. «نقش قرینه مقابله در تفسیر قرآن» (چاپ شده در فصلنامه علمی - پژوهشی آموزه‌های قرآنی) اثر سیدعلی هاشمی و حسن خرقانی،

که به نقش قرینه مقابله در تفسیر قرآن می‌پردازد. و «گونه‌شناسی قرائن احراز ظهور از منظر شیخ انصاری» (چاپ شده در دوفصلنامه علمی - پژوهشی فقه و اجتهاد) اثر مجتبی گلی‌زاده سرچشمه، که به بررسی انواع قرائن ظهورساز در کلام شیخ انصاری رحمته‌الله می‌پردازد. بنابراین هریک از این مقالات یا در موضوع چیستی و ماهیت قرائن و تحلیل آنها و یا در موضوع اثر و نقش آنها در تفسیر قرآن است اما در رابطه با قرینه مقابله و نقش و کارایی آن در استنباط احکام کمتر سخن به میان آمده است که تنها مقاله موجود در این موضوع، مقاله «جایگاه قرینه مقابله در استنباط» (چاپ شده در در مجله علمی پژوهشی اصول فقه حوزه) اثر رضا اسلامی اسفندیاری و محمدصاعد رازی است که کارکردهای قرینه مقابله و شرایط اجرای آن را بررسی کرده است.

ویژگی‌ها و نوآوری‌های این نوشتار از این قرار است: دارای ایده‌ای نو در مبحث روش‌شناسی استنباط احکام و روش‌شناسی استظهار از ادله لفظیه. دارای موضوع بدیع و جدید در مسائل فقهی و اصولی. دارای یافته‌های نو و بدیع، ارائه ساختاری منظم و جدید از کاربرد قرینه مقابله در استنباط احکام.



## ۱. مفهوم قرینه

### ۱.۱. در لغت

«قرینه» در لغت به معنای همراه شدن چیزی با چیزی دیگر است. ابن اثیر این‌گونه بیان می‌کند: «القرینه: فَعِيلَةٌ بِمَعْنَى مَفْعُولَةٍ، مِنَ الْأَقْتِرَانِ؛»؛ قرینه به معنای مقرون، یعنی چیزی که با چیز دیگری همراه شود» (ابن اثیر جزری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۳). ابن فارس نیز می‌نویسد: «القاف و الراء و النون أصلان صحیحان، أحدهما يدلُّ على جَمْعِ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ، وَ الْآخَرُ شَيْءٌ يَنْتَأُ بِقُوَّةٍ وَ شِدَّةٍ» (ابن فارس، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۷۶) بدین معنا که این ماده لغوی دارای دو معناست که یکی از آن معانی «اجتماع چیزی با چیزی دیگر» است.

### ۱.۲. در اصطلاح دانش اصول فقه

برخی قرینه را از عوامل فهم مراد کلام گوینده دانسته‌اند (رک: مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰؛ حسن بگی، ص ۳ و ۱۳۹۷، ص ۲)، نه فهم معنا. در اینجا، یکی از این تعاریف ذکر می‌شود

که قرینه را هم مفهوم معنا و هم مفهوم مراد می‌داند.

در کتاب القرائن عند الاصولیون، قرینه اصطلاحی این‌گونه تعریف شده است: «ما یصاحب الدلیل فیبین المراد به او یقوی دلالتیه او ثبوتیه» (المبارک، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۶۸)؛ بدین معنا که قرینه آن است که همراه دلیل باشد و به تبیین مراد یا تقویت دلالت پردازد. بنابراین، با توجه به تعریف، قرینه دارای این ویژگی‌هایی است: تبیین‌کننده الفاظ مجمل که معنای واضحی ندارند؛ مبین الفاظ مشترک؛ برگرداننده معنا از معنای حقیقی به معنای مجازی؛ تقویت‌کننده معنای دلیل است و آن را تاکید می‌کند و یا تقویت‌کننده ثبوت دلالت است، بدین معنا که دلیل را از مفاد ظنی به اطمینان می‌رساند. بنابراین، قرائن، تبیین‌کننده مراد و یا تقویت‌کننده دلالت هستند (همان، ص ۷۰-۶۹).

اما ایرادی که به این کلمات می‌توان گرفت، این است که ابتدا باید معنا تشکیل شده باشد و بعد به اراده گوینده پی ببریم؛ از این رو قرینه در مرحله معنا مطرح می‌شود و به دیگر بیان، ابتدا الفاظ موجود در جمله‌ها، باید ظهور عرفی خود را تشکیل داده باشند و بعد مرحله مراد مطرح می‌شود که آیا متکلم همین معنا را اراده کرده است یا نه؛ بنابراین بحث قرینه، در مرحله معنا مطرح می‌شود نه مراد. مؤید صریحی از کلام شیخ انصاری<sup>ره</sup> نیز بر این مطلب وجود دارد که می‌فرماید: شک در مرحله معنا، مسبب از لغت یا ظهور عرفی است؛ یعنی ابتدا باید ظهوری تشکیل شده باشد، چه از لغت و چه از عرف که قرائن مربوط به ظهور عرفی است «و الشک فی الأول مسبب عن الأوضاع اللغویة و العرفیة» (انصاری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۳۶)، بنابراین، تعریف اصطلاحی قرینه عبارت خواهد بود از: «هر عاملی که مخاطب را به معنا راهنمایی می‌کند».

اما اینکه در کتاب مذکور بیان شد قرینه، معنا را مجاز می‌کند، در پاسخ باید گفت قرینه لزوماً موجب مجاز نیست؛ مثل جایی که از باب تعدد دال و مدلول باشد (رک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۷، ص ۳۳) و با توجه به اینکه ظرف قرائن در مرحله بعد از وضع است (رک: انصاری، مرتضی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۸)؛ از این رو تعریف مزبور، ویژگی مانع اغیار بودن را داراست، بنابراین تعریف مذکور، شامل وضع نمی‌شود.





برخی برای فهم معنا از طریق قرائن، به مراجعه کتب لغت بسنده و براساس آن، استنباط می‌کنند، درحالی که این کتاب‌ها گاه از سلیقه و علاقه‌های مؤلفان مصون نبوده و فاصله زمانی بسیاری نیز با عصر نزول قرآن دارند؛ اما معناشناس و دین‌پژوه واقعی برای شناخت و فهم معانی، در این کتاب‌ها متوقف نشده و بلکه پای را فراتر گذاشته و می‌کوشد معنای کلام و کلمات را در بُرش زمانی و کاربردی خاص آن دریابد؛ از این رو به معنای مرکزی و روابط واژگانی کلمات توجه کرده و با این توجه به معناشناسی می‌پردازد و در حقیقت، در پرتو این نکات است که درهای فهم آیات و روایات برای رسیدن به مقصود کلام و حکم شارع گشوده شده و با کشف مفاهیم و نظام معنایی آن، به معانی و مدالیل نسبی و جهان‌بینی متعالی بسیاری از گزاره‌های دینی دست یافته و درنهایت به شبکه درهم‌تنیده‌ای از مفاهیم دست می‌یابد که می‌تواند با آن به استنباط درستی دست یابد.

### ۱.۲.۱. تعریف قرینه مقابله

قرینه مقابله قرینه‌ای که از تقابل میان دو لفظ از الفاظ موجود در کلام به دست می‌آید و در مواردی کاربرد دارد که رابطه میان الفاظ از قبیل نقیضین یا ضد منطقی و یا تخالف باشد که در یک موضع جمع نمی‌شوند. بنابراین قرینه موجود در جمله «رایت اسدا یرمی»، قرینه مقابله نیست؛ چراکه رابطه بین اسد با یرمی در آن از قبیل هیچ‌یک از موارد مذکور نیست. گفتنی است اگر در دو کلام، تقابل الفاظ به صورت تضاد باشد، در این صورت، از ابتدای کلام متضاد، دلالت‌کننده بر آن در دومی، حذف می‌گردد و از دومی، آنچه ضدش در اولی بر آن دلالت می‌کند، حذف می‌شود. در این نوع، زیبایی تقابل میان الفاظ مذکور و محذوف آشکار می‌گردد؛ مثلاً در آیه شریفه «هو الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه و النهار مبصر» (یونس، ۶۷) که تقابل لیل با نهار صورت گرفته است، بیانگر این نکته است که اگر نهار، مبصر است پس لیل هم مظلم است و نیز اگر شب برای سکون است، پس روز نیز برای فعالیت و طلب روزی حلال است. از این رو تقدیر آیه، این‌گونه می‌شود: «هو الذی جعل لکم اللیل مظلماً لتسکنوا الیها و النهار مبصراً لتتشرخوا فیه و تبتغوا من



فضله» (یونس، ۶۷) (ر.ک: علوی، بتول؛ زیرجد، هادی، ۱۳۹۲، ش ۱۴، ص ۷۵ - ۷۶؛ صبان، محمد بن علی، ۱۴۳۵، ج ۲، ص ۴۷۹ و ج ۳، ص ۹۶، نقیب زاده، محمد ۱۳۹۲، ش اول، ۱۳۹۲، ص ۹۶ - ۹۹).

به دیگر بیان، قرینه مقابله عبارت است از: «پرتوافکنی دلالتی ناشی از برابر هم قرار گرفتن معانی نظیر یا نقیض در سیاق سخن، بر طرف تقابل» (خرقانی، هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸).

نکته شایان نظر و درخور توجه اینکه، قرینه مقابله در کلام فقها و اصولیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به وفور از آن استفاده کرده‌اند که ما را برای رسیدن به دلالت و ظهور کلام رهنمون می‌نماید (انصاری، مرتضی، ۱۴۱۳، ص ۶۳، آیه الله المجدد الشیرازی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳ و اصفهانی، محمد حسین ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۰۱).

ابن عاشور از دانشمندان برجسته اهل سنت، در اهمیت قرینه مقابله می‌نویسد: «قرینه مقابله» روشی بدیع در ایجاز است؛ ولی دانشمندان علم بلاغت و اصول در مورد آن چیزی نگفتند؛ در حالی که باید آن را در تفسیر قرآن لحاظ کرد و از مسائل بلاغی دانست (ر.ک: ابن عاشور، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۵). علامه طباطبایی نیز ذیل آیه مباحله داستانی را در مورد پرسش مأمون خلیفه عباسی از امام رضا علیه السلام را نقل می‌کند که از امام سؤال کرد: چه دلیلی بر خلافت امیر مؤمنان وجود دارد؟ امام علیه السلام فرمودند: آیه «انفسنا» به قرینه «ابنائنا» که این جواب، مأمون را به سکوت واداشت. علامه در توضیح استدلال امام بیان می‌دارد: اگر منظور از «انفسنا» که در مقابل «نساءنا» آمده، جنس ذکور بود، دیگر وجهی برای ذکر «ابنائنا» نبود؛ زیرا انفس شامل ابنا نیز می‌شد؛ به همین خاطر، معنای «انفسنا» به تقابل با «ابنائنا» جنس ذکور نیست (ر.ک: علامه طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۳۰، و ج ۲، ص ۸۱؛ برای مثال قرآنی دیگر رجوع کنید به: جوادی آملی، عبدالله، ج ۱۶، ص ۲۱).

## ۲. کارایی قرینه مقابله در استنباط

قرینه مقابله در کلام فقیهان و اصولیان در ابعاد مختلف مورد استفاده قرار گرفته است که انواع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. توضیح اینکه قرینه مقابله، گاه در بیان فهم مفردات کلام اعم از موضوع و یا حکم به کار رفته و آن را توضیح داده و تبیین



می‌نماید و گاه برای فهم جملات موجود در کلام استفاده می‌شود که در این صورت نیز توسط قرینه مقابله، یا پی به لوازم کلام برده و به آن رهنمون می‌شویم و یا قرینه مقابله، ما را در تبیین شروط موجود در کلام کمک می‌کند.

بنابراین قرینه مقابله، فقیه را در تبیین موضوع، حکم، لوازم و شروط موجود در کلام شارع برای رسیدن به نظر شارع و استنباط احکام راهنمایی می‌کند.

### ۲-۱. تبیین موضوع

هر کلامی دارای موضوعی است که حکمی بر آن مترتب شده است که گاه مراد از آن موضوعات مشخص نبوده و مخاطب، مقصود گوینده را به درستی درک نمی‌کند. در اینجا گاه قرینه مقابله، مخاطب را به مقصود کلام گوینده رهنمون می‌سازد.

در دانش فقه، فقها از این قرینه برای استنباط احکام تمسک جسته‌اند؛ به‌عنوان مثال، شیخ انصاری<sup>۱</sup>، در بحث وفای به شروط که نباید مخالف کتاب باشد، روایت «من اشترط شرطاً مخالفاً لکتاب الله فلا يجوز علی الذی اشترط علیه، و المسلمون عند شروطهم، فیما وافق کتاب الله» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۹) را ذکر کرده و بیان می‌دارد که این روایت، ظهور اولیه در وجوب موافقت شروط با کتاب الله دارد، یعنی علاوه بر اینکه شروط نباید مخالف با کتاب باشند، بلکه باید موافق هم باشند، اما در ادامه از این ظهور دست برداشته و توسط قرینه مقابله بیان می‌دارد: مراد از این روایت، آن است که لزوم موافقت شرط با قرآن شرط نیست، بلکه عدم مخالفت نیز مکفی است؛ مرحوم آخوند نیز همین نکته را بیان می‌کند (آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۰، ص ۵۲۲).

وجه ظهور به قرینه مقابله است. بدین شکل که ما به تقابل موافقت و مخالفت با کتاب در موافقت تصرف کرده و مخالفت را قرینه اصیل می‌دانیم؛ زیرا که عرفاً در موافقت کتاب تصرف می‌شود؛ بدین بیان که عرف، موافقت را هم در موافقت صددرصدی و هم در عدم مخالفت می‌بیند؛ از این رو به قرینه عدم مخالفت به این نکته می‌رسیم که موافقت در اینجا به این قرینه، یعنی عدم مخالفت (رک: انصاری، ۱۴۳۵، ج ۵، ص ۱۱۱. برای مثال‌های بیشتر مراجعه کنید به: مجلسی، محمد باقر ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۲۳۶؛



لنکرانی، محمد فاضل موحدی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲۷ و لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۱۸). ج ۱، ص ۵۲ و رشتی، حبیب الله، ۱۴۲۲، ص ۲۱۸).

یا ایشان در بحث نکاح فضولی روایتی را ذکر می‌کند که در صدر روایت سائل این‌گونه می‌پرسد که اگر غلام یا جاریه‌ای را ولی او تزویج کند، در حالی که به بلوغ نرسیده‌اند که امام علیه السلام نکاح را جائز می‌دانند، اما در آخر روایت سائل این‌گونه می‌پرسد که اگر پدر، جاریه یا غلام او را تزویج کند که اینجا نیز امام علیه السلام حکم به جواز می‌دهند (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۲۱۹ و فیض کاشانی، ج ۲۱، ص ۴۱۸). حال این تقابلی که سائل در کلام خود به کار برده (که ابتدا از حکم تزویج ولی پرسید و در آخر از حکم تزویج پدر)، در اینجا مرحوم شیخ می‌فرماید: با توجه به این تقابل و قرینه مقابله، مراد از ولی در صدر روایت، پدر نیست بلکه ولی عرفی، یعنی عمو یا برادر او است (انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۵. برای مثال‌های بیشتر مراجعه کنید به کاظمی، فاضل، ج ۳، ص ۲۳۹ و محقق داماد، سیدمحمد، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۵).



سال اول | شماره اول  
بهار و تابستان ۱۴۰۲

همچنین در دانش اصول، اصولیان در بحث حجیت شهرت فتواییه به مقبوله عمر بن حنظله استناد کردند؛ بدین بیان که با توجه به عبارت «وَاَيُّرُكُ الشَّادُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّ الْمُجْمَعَ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (شیخ طوسی، ابوجعفر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۲) در جمله اخیر که متشکل از موضوع و حکم است، موضوع یعنی کلمه «مجمع علیه» را با توجه به قرینه مقابله آن، که کلمه «شاذ» باشد، به معنای مشهور تفسیر کرده‌اند و نه به معنای اجماع (انصاری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۰۷ و امام خمینی، روح الله، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۰). گرچه محقق خوئی و شهید صدر به این استظهار خرده گرفته و آن را ناصحیح دانسته‌اند (رجوع کنید به: خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۴۱ و ۱۴۴؛ ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۰ و صدر، محمدباقر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۲۲).

مثال دیگر اینکه امام خمینی علیه السلام، مراد از شک در روایت لاتنقض الیقین بالشک را به قرینه مقابله به معنای خلاف یقین گرفتند، نه اینکه منظور احتمال مساوی باشد؛ بنابراین مراد از شک، اعم از شک و ظن است (امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۱، ص ۲۰۱) به همین نکته و به همین دلیل قرینه مقابله، صاحب کتاب الوسیط نیز اشاره می‌کند (سبحانی، جعفر، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۲).

و یا در بحث تفسیر کریمه «فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» (نحل، ۴۳) آقاضیای عراقی رحمته، مراد از «اهل ذکر» به قرینه مقابله «ان کنتم لاتعلمون»، اهل علم دانسته‌اند (عراقی، ضیاء الدین، ۱۳۸۸، ص ۲۷۸. برای مثال‌های بیشتر رجوع کنید به: انصاری، مرتضی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۶۴ و عراقی، ضیاء الدین ۱۳۸۸، ص ۱۹۶).

## ۲-۲. تبیین حکم

بیان شد که هر کلامی دارای موضوع و حکم (محمول) است. اگر مراد از حکم در کلام گوینده، مشخص نباشد، برای فهم آن نیازمند قرینه هستیم که قرینه مقابله یکی از کارسازترین این قرینه‌هاست.

برای نمونه، محقق خوئی رحمته نیز در مسئله تیمم بیان می‌دارد که قدر متیقن مورد وجوب تیمم، جایی است که اصلاً آب نداشته باشیم، اما مورد دیگری نیر هست که در آنجا هم باید تیمم کرد و آن جایی است که آب، کافی برای وضو نباشد؛ مثل اینکه مقدار آب صرفاً برای شستن صورت و یک دست باشد که در اینجا اگرچه که قاعده میسور نیز بتواند جاری شود، اما به قرینه مقابله صدر آیه، این مورد نیز مورد تیمم بوده و حکم، وجوب تیمم است؛ چراکه در صدر آیه که می‌فرماید: اگر آب کافی داشتید وضو بگیرید، اما در ذیل می‌فرماید: اگر آب کافی ندارید، گرچه برای بعض وضو آب داشتید، باید تیمم کنید. بنابراین توسط قرینه مقابله در موردی دیگر هم به حکم وجوب تیمم رسیدیم (خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۷۵. برای مثال‌های بیشتر مراجعه کنید به: نجفی، حسن ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۹۸، انصاری، مرتضی ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۳ و زنجانی، سید موسی شبیری، ج ۱، ص ۳۵۴ و اصفهانی، محمد حسین ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۹).

یا در بحث قران، به معنای عدم فصل بین طواف در حج، مقتضای اطلاق روایات، عدم جواز قران است. یکی از این روایات، روایت «انما یکره القران فی الفریضة فأما النافلة فلا والله ما به بأس» (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۲، باب ۳۶ از ابواب طواف) است که می‌فرماید: قران در فریضه، مکروه بوده، ولی در نافله، مکروه نیست. مرحوم شاهرودی در اینجا می‌فرماید: مراد از حکم کراهت، حرمت است؛ چراکه در نافله که این حکم نفی شده، حرمت در واقع نفی شده است؛



از این رو به این قرینه مقابله در فریضه نیز حکم حرمت مراد است (شاهرودی، سید محمود، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۴۱).

ایشان در کتاب اصولی خود نیز قرینه در استنباط حکم کمک گرفته‌اند. به طور مثال در باب دلالت نهی نفسی بر فساد، به روایت «لیس بعاص لله انما عصی سیده» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۸۹) اشاره کرده و در پاسخ به ادعای کسانی که عصیان را در این روایت، به معنای مخالفت با حکم تکلیفی گرفتند، مخالفت کرده و می‌فرماید به قرینه مقابله مراد از عصیان الهی در این روایت، در حکم وضعی است نه در حکم تکلیفی؛ چراکه اگر معنای عصیان سید را توجه کنیم به معنای عصیان در حق مجعول او بر عبد است و اینکه تزویج عبد بدون اذن سیدش منافی با حق اوست که این یک حکم وضعی است. به این قرینه عصیان الهی هم عصیان در حکم وضعی مراد است نه عصیان در حکم تکلیفی (شاهرودی، محمود، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۸).



سال اول | شماره اول  
بهار و تابستان ۱۴۰۲

نیز سید طباطبائی<sup>ره</sup> صاحب ریاض المسائل در مسئله مبطلات نماز به گریه برای دنیا به عنوان یکی از این مبطلات اشاره کرده و دلیل آن را روایت «إن بکی لذكر الجنة أو نار فذلك هو أفضل الأعمال فی الصلاة و إن كان ذکر میتا له فصلاته فاسدة» می‌داند که روایت مزبور به قرینه مقابله که ذکر میت در مقابل امور اخروی قرار گرفته؛ از این رو مراد از آن، مجرد بکای بر میت نیست، بلکه مطلق امور دنیوی مراد است؛ بنابراین با توجه به قرینه مقابله موجود در روایت، حکم بطلان نماز به سبب گریه بر مطلق امور دنیوی ثابت شد (طباطبائی، سیدعلی، ج ۱، ص ۱۷۷).

مثال دیگر آن که شیخ انصاری رحمه الله در باب اصالت حرمت عمل به ظن به آیه «قُلْ أَللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (یونس، ۵۹) استناد کرده و به قرینه مقابله بیان می‌کند که مراد از حکم افتراء این است که بدون اذن الهی حکمی به شارع استناد داده شود (انصاری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۲۶). اگرچه که خود مرحوم شیخ تصریح به استفاده از قرینه مقابله نکرده، اما در برخی از کتب شرح، به این نکته تصریح شده است (به عنوان مثال رجوع کنید به: آشتیانی، محمدحسن بن جعفر ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۰۱).

### ۳-۲. تبیین شرط

با تامل و دقت نظر در گزاره‌های دینی و کلمات فقها، می‌یابیم که قرینه مقابله، کارایی دیگری نیز داشته و از این نظر، ما را به سمت مقصود گوینده رهنمون می‌سازد که در پرتو آن، به نقش این قرینه در تبیین شروط موجود در کلام گوینده می‌رسیم؛ شروطی که در کلام بدان تصریح نشده و بلکه توسط این قرینه فهمیده می‌شود.

برای نمونه، میرزای نائینی<sup>ره</sup> در بحث استصحاب کلی قسم سوم، مثالی در مورد طهارت زده و بیان می‌دارد: «باتوجه به آیه «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ... وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَرُوا» (مانده، ۶) و تقابل این دو فراز می‌رساند که وضو بر کسی که خوابیده و جنب نیست، واجب است؛ بنابراین در موضوع وجوب وضو یک قید وجودی یعنی خواب و یک قید عدمی یعنی عدم جنابت اخذ شده است و این قید عدمی اگرچه در آیه صریحا ذکر نشده است، ولی از تقابله با فراز دوم استفاده می‌شود (برای توضیح بیشتر رجوع کنید به: جزایری، محمدجعفر ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۶۸ و خوئی، ابوالقاسم ۱۴۲۲، ج ۲ ص ۱۳۸).

بنابراین این تقابل دال بر این نکته است که شرط موجود در فراز اول در حقیقت این است که اگر قیام کردید به نماز و جنب نبودید آنگاه وضو بگیرید (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: لنگرانی، محمد فاضل ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۱۹۱).

در ادامه ایشان مثال دیگری بیان می‌دارد که باتوجه به آیه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا» وجود آب، شرط برای وجوب وضو است؛ اگرچه در آیه صریحا بیان نشده است، اما از تقابل مسئله وضوء با تیمم به این نکته رهنمون می‌شویم؛ چراکه ذیل آیه در مورد تیمم بیان می‌دارد که اگر آب نبود، تیمم کنید؛ لذا شرط شرعی وجوب وضو، وجود آب است (نائینی، محمدحسین، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۲۷ و خوئی، ابوالقاسم، ج ۲، ص ۳۹۶. اگرچه مرحوم خوئی و مرحوم امام، به این استظهار، خرده گرفته و آن را ناصحیح دانسته اند. خوئی، ابوالقاسم ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۶۴۳ و امام خمینی، روح الله، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۱۹).

### ۴-۲. تبیین لوازم

اگر کلام متکلم دارای لوازم باشد، گاه فهم این لوازم، توسط قرینه مقابله صورت



می‌گیرد که باید بدان توجه شود. مقصود از لوازم در اینجا، لازم بیّن است؛ یعنی لازمی که نیاز به برهان و دلیل ندارد (مظفر، محمدرضا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۹۹ و ص ۲۹۶).

برای نمونه، امام خمینی<sup>ره</sup>، در بحث بطلان بیع فضولی در استدلال به آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» بیان می‌دارد که ظاهر آیه این است که تجارت باید بر اساس رضایت دو طرف باشد؛ از این رو تجارتی که رضایت در آن وجود نداشته باشد، باطل است. در آخر نیز کلامی از مرحوم شیخ می‌آورد و می‌فرماید که بطلان، علت نهی است. نیز به مقتضا و لازمه قرینه مقابله، اکل از روی رضایت هم صحیح است؛ چون حق است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷۴. مظفر، محمدرضا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۹۹ و ص ۲۹۶).

نیز محقق نائینی<sup>ره</sup>، در بحث استصحاب، جایی که علم اجمالی داریم به طهارت یکی از دو طرفی که قبلا هر دو نجس بودند، نظر حق را عدم جریان استصحاب نجاست در هر دو ظرف می‌دانند. آنگاه کلامی از مرحوم شیخ را بیان می‌کنند که ایشان وجه عدم جریان استصحاب را قصور ادله «لاتنقض» دانسته که اگرچه شک در روایت لاتنقض شامل شک بدوی و شک مقرون به علم اجمالی است، ولی با توجه به ادامه روایت، یعنی «ولکن تنقضه یقین آخر» که یقین شامل یقین اجمالی نیز می‌شود؛ از این رو شک فقط شامل شک بدوی است؛ بنابراین دلیل لاتنقض شامل اطراف علم اجمالی نمی‌شود. محقق نائینی در اینجا نقدی دارند و بیان می‌دارد که لازمه تقابل این دو یقین در دو فراز روایت، این است که متعلق آن دو با هم تفاوت داشته باشد؛ بدین معنا که یقین سابق در مثال دو ظرف، متعلق به نجاست خصوص هر کدام از این ظرف‌ها بوده، حال آنکه یقین ناقص، باید یقین به طهارت خصوص هر کدام باشد؛ در حالی که یقین اجمالی متعلق به طهارت خصوص هر کدام نیست؛ از این رو فراز دوم روایت شامل یقین اجمالی نمی‌شود؛ بنابراین کلام مرحوم شیخ صحیح نیست (خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۰۰).

و نیز در کتاب الامثل در تفسیر آیه ۳۱ سوره انسان<sup>۱</sup> با توجه به تقابل این دو فراز ایشان بیان می‌دارد که اراده خداوند متعال در عقوبت انسان‌ها تابع اراده انسان‌ها در

۱. «یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمین اعد لهم عذابا الیما»، (انسان، ۳۱).





ظلم و عصیان است. حال به قرینه مقابله به این نکته پی می‌بریم که لازمه اراده و مشیت خداوند برای رحمت بر بندگان نیز اراده انسان‌ها برای ایمان و عمل صالح و اقامه عدل است (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۲۸۲).

### نتیجه‌گیری

از آنجا که فهم روشمند مقصود کلام گوینده در گرو تکیه به قرائن کشف ظهور است، بایسته است به این قرائن توجه کافی شود. قرآن کریم و روایات نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ بر این اساس، فقها و اندیشوران بر پایه قرائن به فهم قرآن و روایات و در نتیجه به استنباط احکام مبادرت می‌کنند. در واقع استظهار از کتاب و سنت و فهم ادله توسط قرائن، بخش مهمی از تلاش فقیه در مسیر عملیات استنباط را تشکیل داده و این تعامل با کتاب و سنت، از مسائل مهمی است که ذهن اندیشمندان اسلامی را از دیرباز به خود مشغول ساخته است. این قرائن، ظهورساز بوده و کلام متکلم را دارای دلالت می‌کند. ظرف به‌کارگیری قرائن، بعد از بررسی معنای موضوع له الفاظ است؛ از این رو کلامی نیازمند قرینه است که به‌صورت روشن بر مراد متکلم دلالت نکند و مقصود گوینده را نرساند. قرینه در لغت به‌معنای همراه شدن چیزی با چیز دیگر است و در اصطلاح، هر عاملی است که مخاطب را به معنا راهنمایی کند. قرینه مقابله، نیز قرینه‌ای است که از تقابل میان دو لفظ از الفاظ موجود در کلام به‌دست می‌آید و در مواردی کاربرد دارد که رابطه میان الفاظ از قبیل نقیضین یا ضد منطقی و یا تخالفی باشد که در یک موضع جمع نمی‌شوند.

برآیند پژوهش حاضر در رهیافت فهم ادله و استنباط احکام، قابل ارائه است. به همین خاطر، این قرینه در کلام فقها و اصولیون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌وفور از آن استفاده کرده‌اند که ما را برای رسیدن به دلالت و ظهور کلام رهنمون می‌نماید.

ابعاد کارایی این قرینه در استنباط به‌نحو زیر است: تبیین موضوع، حکم، شروط و لوازم کلام.



## فهرست منابع

- قرآن کریم.

الف. کتب

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۰). درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد (چاپ اول). تهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۷). فوائد الأصول (چاپ اول). تهران: وزارت ارشاد..
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۳۳). کفایة الاصول (چاپ سوم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۴. آشتیانی، محمد حسن بن جعفر (۱۴۲۹). بحر الفوائد فی شرح الفرائد (چاپ اول). بیروت.
۵. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۷۸). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر (چاپ دوم). قم: عرفان.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الاخبار (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه (چاپ دوم). قم.
۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۳۹۰). التحریر و التنویر (چاپ اول). بیروت: مؤسسه التاریخ.
۹. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۰). معجم مقاییس اللغة (چاپ سوم). قم: تبیین.
۱۰. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸). حاشیة کتاب المکاسب (چاپ اول). قم: أنوار الهدی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). نهایة الدراية فی شرح الکفایة (طبع قدیم) (چاپ اول). قم.
۱۲. اصفهانی نجفی، محمد تقی (۱۴۲۹). هداية المسترشدين (چاپ دوم). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. انصاری، مرتضی (۱۴۳۵). کتاب المکاسب (چاپ شانزدهم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۴. انصاری، مرتضی (۱۳۸۳). مطارح الانظار (چاپ دوم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۵. انصاری، مرتضی (۱۴۳۴). فراند الاصول (چاپ شانزدهم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۶. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب الزکاة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب الصلاة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۸. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب النکاح (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم.
۱۹. انصاری، مرتضی (۱۴۱۳). کتاب الصوم (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری
۲۰. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب الطهارة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم
۲۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۳). أحكام الخلل فی الصلاة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۲۲. تبریزی، میرزا فتاح (۱۳۷۵). هداية الطالب إلى أسرار المکاسب (چاپ اول). تبریز: چاپخانه اطلاعات.



۲۳. جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۵). منتهی الدراية فی توضیح الکفایة (چاپ چهارم). قم: موسسه دارالکتاب.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، هدایت درقران.
۲۵. حسینی شاهرودی، محمود (۱۳۸۵). نتایج الافکار فی الاصول (چاپ اول). تقریرات جزائری، محمدجعفر، قم: آل مرتضی (علیه السلام).
۲۶. خمینی، روح الله (۱۴۱۰). الرسائل (چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
۲۷. خمینی، روح الله (۱۴۱۸). تنقیح الاصول (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۸. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۹. خوئی، ابو القاسم (۱۴۱۸). موسوعه الامام (چاپ اول). قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۳۰. خوئی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). أجود التقریرات (چاپ اول). تقریرات درس میرزای نائینی. قم: مطبعة العرفان.
۳۱. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). مصباح الاصول (۱۴۲۲). تقریرات واعظ حسینی بهسودی، قم: مکتبه الداوری.
۳۲. رشتی، حبیب الله (۱۴۲۲). بدائع الافکار (چاپ اول) قم: مؤسسه آل البيت.
۳۳. زنجانی، سید موسی شبیری. کتاب نکاح (چاپ اول). قم: ناشر: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۳۴. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). الوسیط فی اصول الفقه (چاپ چهارم). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۵. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷). منهاج الصالحین (چاپ پنجم). قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۳۶. شاهرودی، سید محمود (۱۴۰۲). کتاب الحج (چاپ اول). قم: مؤسسه انصاریان.
۳۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۸. شیرازی، میرزا محمد حسن (۱۴۰۹). تقریرات آیه الله المجدد الشیرازی (چاپ اول).
۳۹. صبان، محمد بن علی (۱۴۳۵). حاشیه الصبان علی شرح الاشمونی علی الفیه ابن مالک (چاپ اول) بیروت: المکتبه العصریة.
۴۰. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). بحوث فی علم الاصول (چاپ سوم). تقریرات هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم السلام.
۴۱. طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (چاپ اول) (ط - القديمة). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۲. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة (چاپ اول) قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.



۴۴. عراقی، ضیاء الدین (۱۳۸۸). الاجتهاد والتقليد (چاپ اول)، قم: نوید اسلام.
۴۵. عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷). نهاية الافكار، تقریرات محمد تقی بروجردی نجفی (چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۶. فیض کاشانی، الوافی، اصفهان، (۱۴۰۶). چاپ اول، کتابخانه امام امیرالمومنین علیه السلام.
۴۷. کاظمی، فاضل (۱۴۲۳). مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). کافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۳۰). دراسات فی الأصول (چاپ: اول). قم: مرکز الفقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.
۵۰. لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۱۸). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الحج (چاپ دوم). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۵۱. مامقانی، ملاعبدالله (۱۳۱۶). غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب (چاپ اول). قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۵۲. المبارک، محمد بن عبدالعزیز (۱۴۲۶). القرائن عند الاصولیون. ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
۵۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العرب.
۵۵. محقق داماد، سیدمحمد (۱۴۱۶). کتاب الصلاة (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۶. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹). درسنامه فهم حدیث، قم: زائر.
۵۷. مظفر، محمدرضا (۱۳۶۶). المنطق، قم: اسماعیلیان.
۵۸. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه (چاپ پنجم). قم: بوستان کتاب.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (چاپ اول)، قم: مدرسه علی بن ابی طالب.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). مبانی تفسیر قرآن کریم.
۶۱. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶). فوائد الأصول (چاپ اول). قم.
۶۲. نجفی، حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۳. نراقی، احمد بن علی (۱۴۱۵). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت.
۶۴. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۰۹). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی.



ب. مقالات

۶۵. اسفندیاری، رضا (۱۳۹۶). قرینه مناسبت حکم و موضوع و کارایی آن در استنباط احکام، فصلنامه علمی - پژوهشی کاوشی نو در فقه، ش ۱.
۶۶. باجی، نصره؛ بستانی، قاسم (۱۳۹۴). ائمه و راه‌های نقل و فهم حدیث، نیم سالنامه علمی - ترویجی، ش ۲۰.
۶۷. بهرامی، محمد (۱۳۹۱). تعدد معنا در قرآن پژوهی ابوزید، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۴.
۶۸. حسن بگی، علی (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل قرینه سیاق و تاثیر آن بر فهم قرآن با رویکرد آسیب شناختی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ش ۲.
۶۹. خرقانی، حسن؛ هاشمی، سیدعلی (۱۳۹۳). نقش قرینه مقابله در تفسیر قرآن، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، ش ۱۹.
۷۰. علوی، بتول؛ زبرجد، هادی (۱۳۹۲). اسلوب احتیاب در قرآن، فصلنامه لسان مبین، ش ۱۴.
۷۱. غلامعلی تبار، فضل‌الله؛ راد، علی (۱۳۹۷). ارزیابی استظهارات شیخ انصاری از مفاهیم و مفردات آیه نبا، فصلنامه فقه و اصول، ش اول.
۷۲. گلی‌زاده سرچشمه، مجتبی (۱۳۹۹). گونه‌شناسی قرائن احراز ظهور از منظر شیخ انصاری، دوفصلنامه علمی - پژوهشی فقه و اجتهاد، ش ۱۳.
۷۳. مجتهد شبستری، محمد، فرایند فهم متون، مجله نقدونظر، ش سوم و چهارم.
۷۴. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴). از مفهوم تا مقصود، فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث.
۷۵. نقیب‌زاده، محمد (۱۳۹۲). احتیاب و آثار معنایی آن در قرآن، فصلنامه قرآن شناخت، ش اول.

